

مقاله



احسان هوشمند

# تأملی در قتل‌های ناموسی و خانوادگی مریوان

در جامعه ما واقعیتی به نام گسترش آسیب‌های اجتماعی قابل انکار و کتمان نیست و این آسیب‌ها مختص به منطقه خاصی نیست. جامعه ما فاقد عزم ملی برای رسیدن به آسیب‌ها، فهم، تحلیل و تبیین ابعاد گوناگون این آسیب‌ها و در نهایت ارائه راهکارهای گوناگون و کارشناسانه برای کاهش و کنترل این آسیب‌هاست.

شبه قتل‌های اخیر مریوان باز گردیم؛ در خصوص این قتل‌ها تذکر این نکته ضروری است که برخی از آسیب‌های جمعی استعداد آن را دارد که به سرعت منتشر شود، برای نمونه در کشور، انتشار خودسوزی در حوزه‌ای از لرستان و چهارمحال و بختیاری تا کردستان است که ابعاد گسترده‌ای پیدا کرده؛ ابتدا در گوشه‌ای از کشور خودسوزی آغاز و به سرعت به دیگر نقاط سرایت کرد. اگر چه در کشور در خصوص قتل‌های ناموسی موارد متعددی از این دست قتل‌ها گزارش شده، اما در کشور همسایه یعنی در شمال عراق و منطقه کردنشین عراق آمار بسیار دهشتناکی گزارش شده است. بنا بر برخی گزارش‌ها در شمال عراق از ۱۹۹۱ تا کنون هزاران قتل ناموسی رخ داده که گاه مانند ماجرای یزیدی‌ها و ازدواج دودلداده مسلمان و یزیدی و کشته شدن عروس جوان، ابعاد بین‌المللی یافته است. برخی گزارش‌ها از آمار تکان‌دهنده حداقل پنج هزار قتل ناموسی در این سال‌ها حکایت دارد و باید به هوش بود که این روند در کشور و بویژه در مناطق کردنشین کشور بیش از این گسترش نیابد.

عذر خصوص بروز قتل‌های ناموسی در کشور و بویژه در منطقه مورد بحث علل و عوامل متعددی قابل طرح و بررسی است؛ اکثر قریب به اتفاق مقتولان راز نان تشکیل می‌دهند.

کرمانشاه، لرستان، فارس و کرمان رشد بیشتری را نشان می‌دهد، یا خودسوزی اگر چه گاه و بی‌گاه در جایی قربانی می‌گیرد، اما در ایلام و چهارمحال و بختیاری بیش از دیگر مناطق نمود داشته است. کما اینکه آمار طلاق در استان‌های کردستان و نیز مناطق کردنشین آذربایجان غربی نزدیک دو برابر معدل طلاق کشوری است. فراموش نکنیم که رشد آمار طلاق کشوری هم در سطح منطقه و حتی در سطح جهان، گوی سبقت را از بیشتر کشورها ربوده و در حال رکورد دار شدن است.

۴- شاید از مقدمات فوق بتوان نتیجه گرفت،

برخی از آسیب‌ها در منطقه و یا شهر و استانی بیش از دیگر مناطق خود را نشان می‌دهد. مصرف مواد مخدر اگر چه در همه جا رشد کرده اما در برخی استان‌های غربی و جنوبی مانند کرمانشاه، لرستان، فارس و کرمان رشد بیشتری را نشان می‌دهد، یا خودسوزی اگر چه گاه و بی‌گاه در جایی قربانی می‌گیرد، اما در ایلام و چهارمحال و بختیاری بیش از دیگر مناطق نمود داشته است. کما اینکه آمار طلاق در استان‌های کردستان و نیز مناطق کردنشین آذربایجان غربی نزدیک دو برابر معدل طلاق کشوری است

۱- وقوع چند قتل ناموسی در مریوان مهمترین اتفاق و رویدادی است که در روزهای پایانی تابستان ۱۳۸۸ ذهن مردم آن دیار را به خود مشغول داشت. در شهرستانی با جمعیت کمتر از دویست هزار نفر و وقوع این تعداد قتل، در این مدت کوتاه، تکان‌دهنده و هشداردهنده است، بویژه که خشونت اعمال شده در این قتل‌ها هم برابر ابعاد فاجعه‌برانگیز آن سایه افکند. است.

۲- قتل‌های ناموسی مختص مریوان نیست، در دیگر نقاط کردنشین هم در سال جاری چندین قتل ناموسی ثبت شده، البته در دیگر نقاط کشور هم تعداد چشمگیری از این دست قتل‌ها ثبت شده است. به راستی پیگیری موضوعاتی از این دست برای ما اهمیتی دارد؟ اگر مهم بودند می‌توانست منشأ رفتار یا اعتراض و یا دست‌کم نوشته و نظری باشد. به صرف سوءظن پدر، برادر، همسر و یا نزدیکان، دختری از میان دختران و یا زن‌نگون بخت این مرز و بوم بی‌هیچ مقدمه‌ای و یا داد‌گاه و دادخواهی کشته می‌شود، این رویدادها در هیاهوی زندگی روزمره نمی‌تواند و شاید نباید جایی برای خود باز کند؛ نه تحلیلی و نه تأملی در رسانه‌ها و یا فضاها علمی و دانشگاهی!

۳- در سال‌های اخیر روند رشد و گسترش آسیب‌های اجتماعی همچون طلاق و از هم گسیختگی خانواده، هنجار شکنی، شیوع مواد مخدر و... در سطح ملی تصویرگر ناسامانی‌هایی بس عمیق در اوضاع و احوال امروزی ما ایرانیان است. این روند در جای‌جای ایران قابل مطالعه و بررسی است و مختص منطقه خاصی نیست، اما برخی از آسیب‌ها در منطقه و یا شهر و استانی بیش از دیگر مناطق خود را نشان می‌دهد. مصرف مواد مخدر اگر چه در همه جا رشد کرده اما در برخی استان‌های غربی و جنوبی مانند

- بیشتر قاتلان را پسران، برادران، شوهران و درصد کمتری توسط دیگر نزدیکان به قتل می‌رسند.

باز نظر میزان سواد، قاتل و مقتول معمولاً یا بیسواد یا کم‌سواد گزارش شده‌اند.

- قاتل و مقتول معمولاً روستایی و یا مهاجران حواشی شهرها هستند.

- سن مقتول معمولاً کمتر از سنی سال (تعداد کمتری بیشتر از ۳۰ سال) است.

- مقتولان متأهل معمولاً از دواج ناموفقی داشته‌اند یا بازور والدین از دواج کرده‌اند.

- تفاوت سنی قابل ملاحظه‌ای میان سن مقتولان زن با شوهرانشان وجود دارد (در مورد اخیر مرئیون ۱۸ سال تفاوت سنی مقتول با شوهر گزارش شده است).

- قاتل یا قاتلان معمولاً با تمسک به سنت‌ها، به توجیه عمل خود می‌پردازند.

برای اثبات سوءظن، دلایل و شواهد متقنی هم در اختیار قاتل یا قاتلان موجود نیست.

موقع این دست از قتل‌ها در نقاط کم جمعیت و یا دارای بافت عشیره‌ای و طایفه‌ای بیش از دیگر مناطق است.

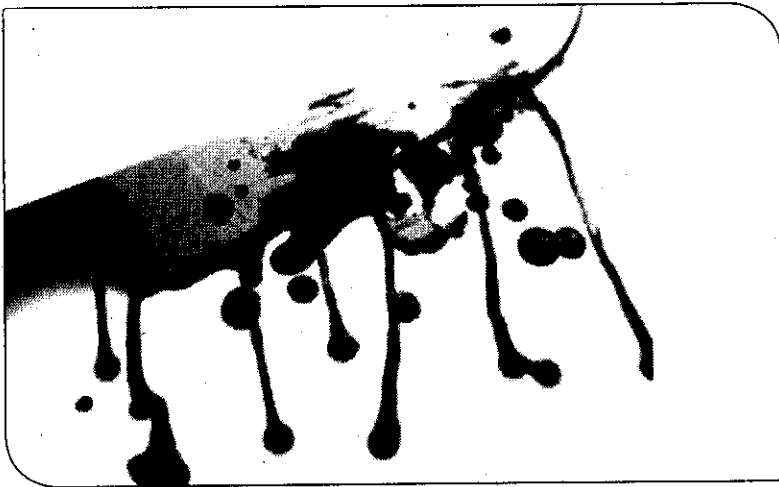
این گونه جنایات شکل طبقاتی ندارد، یعنی در میان افراد با درآمدهای متفاوت (بالا و پایین) وقوع این گونه از جنایات گزارش شده است.

این گونه جنایات معمولاً مجازات سختی به دنبال نداشته است. بنابر بررسی ملاحظات و نیز با توجهات قانونی در برابر این گونه حوادث خونین و غم‌انگیز معمولاً مجازات متناسب با جرم و جنایات اعمال نمی‌شود.

۷- گفته شد که بنابر آمارهای رسمی، آمار طلاق در کردستان بیش از میانگین کشوری است. در مرئیون نیز در سال‌های اخیر آمار طلاق نگران‌کننده است، ضمن آنکه در مناطق روستایی مرئیون بیش از مناطق شهری آمار طلاق رشد داشته است.

جداً از علل و عواملی که مورد بحث قرار گرفت پدیده‌ای بر ابعاد طلاق در منطقه تأثیر خاصی گذاشته است؛ پدیده‌ای که تاکنون مورد بررسی چندانی قرار نگرفته است. کما اینکه می‌دانیم طلاق پیامدهای خاص خود را دارد.

مناطق مرزی کشور در برنام‌های عمرانی و توسعه کشور چندان مورد توجه جدی قرار نگرفته‌اند. این توسعه نیافتگی خود را در همه شئون حیات اجتماعی نشان می‌دهد و ادامه این روند نه به صلاح مملکت است و نه از نظر انسانی و ملی قابل قبول.



این پدیده یعنی توسعه نیافتگی مناطق مرزی مختص ایران نیست و همه کشورها حتی در سوئیس نیز در جاتی از کمتر توسعه یافتگی مناطق مرزی گزارش شده و در سال‌های اخیر توجه به مناطق مرزی جایگاه ویژه‌ای یافته است.

هم‌اکنون ایالات متحده سرگرم اجرای یکی از بزرگترین طرح‌های توسعه‌ای در مناطق مرزی جنوب امریکا (مرز مکزیک) است تا بخشی از کم توجهی‌های گذشته جبران شود.

در کنار ناکارآمدی نظام سیاسی در برنام‌ریزی برای رفع کاستی‌ها، فقر، بیکاری و... نکته دیگری که دارای اهمیت است بی‌توجهی نخبگان و قشر فرهیخته جامعه به مسائلی همچون گسترش طلاق و یا قتل‌های ناموسی و... است. شاید گفته شود آیا دیواری کوتاه‌تر از دیوار صاحبان قلم و روشنفکران نبود که آنها هم مورد خطاب قرار گیرند؟ در پاسخ باید گفت: نخست آنکه شاید در خاورمیانه کمتر کشوری باشد که قشر نخبه تأثیرگذاری همچون ایران را در خود جای داده باشد. دوم، رسالت روشنفکران این است که در دردها و رنج‌ها در کنار مردم خود باشند. نکته دیگری هم باید به موارد فوق افزود که روشنفکران ایرانی باید به‌جز حوزه

این پدیده هم به حوزه عمومی سرکشیده تا عمیق‌تر با جامعه و مردم خود مرتبط شوند و صداقت خود را در همراهی با مردم و در روی خود با برخی سنت‌ها و ارزش‌های غیر انسانی را به نمایش بگذارند.

بنابر این ملاحظات به نظر می‌رسد موضوع آسیب‌های اجتماعی و در اینجا قتل‌های ناموسی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و در رسانه‌ها بویژه صداوسیما دست کم به اندازه کارشناسی مباحث ورزشی، وقت و مجالتی برای طرح و بحث بیاید. آیا جان و سرنوشت گروهی از ایرانیان در معرض خطر، ارزش آن را دارد که با حداقل روشنگری‌ها و آموزش‌ها در حوزه عمومی مسیر دیگری بیاید؟

بازنگری در قوانین مربوط به قتل‌های ناموسی و تشدید مجازات برای مجرمانی از این دست هم می‌تواند در کاهش این جنایات مؤثر باشد.

توجه به نکته دیگری اهمیت ویژه‌ای دارد؛ قتل‌های ناموسی یکی از موضوعات مربوط به نقض حقوق بشر است. امروزه در ایران پیگیری مباحث مربوط به نقض حقوق بشر نمی‌تواند و نباید منحصر به عملکرد نظام سیاسی شود، کما اینکه نباید تنها به نقض حقوق بشر توسط گروه‌های مسلح اپوزیسیون پرداخته شود. ریشه

بخشی از نقض حقوق بشر را باید در باورها و فرهنگ مردم جست‌وجو کرد. هنوز پرداختن به این دست از مباحث جایگاه شایسته‌ای در رسانه‌ها و در میان نویسندگان و روشنفکران ایرانی نیافته است. با گسترش دانشگاه‌ها و توجه به توانایی‌های دانشگاهیان، توجه علمی و کارشناسانه به این پدیده‌ها می‌تواند یاریگر جامعه در رویارویی با این مسائل باشد. تنها امر سیاسی نیست که اهمیت دارد، سرنوشت مردمان رنج‌دیده هم می‌تواند مهم باشد.

**قتل‌های ناموسی یکی از موضوعات مربوط به نقض حقوق بشر است. امروزه در ایران پیگیری مباحث مربوط به نقض حقوق بشر نمی‌تواند و نباید منحصر به عملکرد نظام سیاسی شود، ریشه بخشی از نقض حقوق بشر را باید در باورها و فرهنگ مردم جست‌وجو کرد**